

عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر سیدحمید رضا علوی
دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان
رضیه حجتی
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

چکیده

در این تحقیق اهمیت حجاب از دیدگاه اسلام و نیز سازوکارهایی که اسلام برای عینیت بخشیدن به آن منظور کرده است مورد تحلیل واقع شده و عوامل مؤثر بر بدحجابی دانشجویان دختر دانشگاه شهید باهنر کرمان مورد بررسی قرار گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای دو قسمتی شامل ۶۴ سؤال بود که این پرسشنامه به تعداد ۴۰۰ دانشجوی داده شد که ۲۰۰ تای آنها دانشجویان دختر بدحجاب و ۲۰۰ تای دیگر دانشجویان دختر با حجاب بودند و با روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند.

در تحقیق حاضر از روش تحقیق علی - مقایسه‌ای استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از آمار توصیفی شامل نمودار ستونی، میانه، میانگین، نما، ... و آمار استنباطی شامل آزمون T، کای دو، من ویتنی استفاده گردیده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که:

وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است.

وضعیت روانی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست.

خصوصیات شخصی شامل رشته تحصیلی، تعداد واحد گذرانده، سن، معدل دیپلم و... تأثیری

در بدحجابی دانشجویان ندارند، به جز متغیرهای علاقه‌مندی به رشته، اهمیت دادن به مدگرایی و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی، که این سه متغیر در بدحجابی تأثیر دارند.

نگرش‌های سیاسی در بدحجابی تأثیرگذارند.

وضعیت جسمانی در بدحجابی مؤثر نیست.

وضعیت اقتصادی و خانوادگی شامل متغیرهای متفاوتی بوده که بعضی از آنها از جمله تعداد کل افراد خانواده و وضعیت اقتصادی خانواده بر بدحجابی دانشجویان تأثیر ندارند و متغیرهای اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر و مادر، وضعیت اعتقادی والدین در بدحجابی دانشجویان مؤثر می‌باشد.

خصوصیات دوستان در بدحجابی دانشجویان مؤثر نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی

حجاب، بدحجابی، دانشجویان دختر دانشگاه، خصوصیات شخصی، سیاسی، جسمانی، اقتصادی، خانوادگی و دوستان.

مقدمه

زن، رحمت خدا و ریحانه‌ای است از جانب حق، موجودی است که خداوند تبارک و تعالی او را ظریف، زیبا و دنیای مهر و محبت ساخته است. زن حیثیتی را داراست که با تمام لطافت و عطوفتش در مواقع مهم و به‌جا می‌تواند آن چنان رشادت و شهامتی از خود نمایان سازد که شاید بسیاری از مردان توانایی آن را نداشته باشند. زن موجودی است که همگام با مرد در مسیر زندگی حرکت می‌کند و چه بسا در مواقعی جلوتر از او به حرکت خود ادامه می‌دهد. زن شخصیتی است که فقدان وی مانعی بزرگ در مسیر تکامل جامعه است و چه بسا آن جامعه هیچگاه به درجات عالی و متعالی نرسد.

در دیدگاه اسلام، زن یک مربی است که قادر است در دامن عفت و شرف خود، جوانان برومند، متدین، خداشناس و خدمتگزار به اجتماع بشری تحویل دهد. در واقع، زن به منزله یک روانکاو است و به مرد شربت محبت و مهربانی و صبر می‌نوشاند.

حجاب و پوشش برای بانوان و توجه به حریم عفاف و حراست آن از اصیل‌ترین سنگر زنان و از سودمندترین و عمیق‌ترین قانون الزامی آفرینش برای آنان و جامعه است. به عبارت دیگر، حجاب، سنگر سعادت و رستگاری زنان و جامعه است؛ اگر فروریزد عوامل پاک‌زیستی و شرافت فروریخته و موجب آلودگی خود و جامعه خواهد شد.

حجاب گویای انتخاب یک عقیده است. آدمی عقیده و مرام را با دو خصیصه شناخت و انتخاب برمی‌گزیند و براساس آن زندگی می‌کند و تمام رفتارهای خود را براساس آن شکل می‌دهد. هر قدر شناخت و اختیار انسان عمیق‌تر شود، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است. حجاب نیز این چنین است، یعنی محصول شناخت و بینش‌هایی است که زن از هستی، انسان، روابط اجتماعی و چگونگی تکامل و رشد صحیح خود دارد و بدین باور رسیده است که با پوشش دادن به خود، سیر معنوی جامعه را سرعت می‌بخشد. خداوند، عفاف و حیا را برای زن جزء خصلت وجودی او قرار داده است. تبیین حجاب در بینش قرآن کریم این است که زن باید کاملاً درک کند که حجاب تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید از حق خود صرف‌نظر کردم. حجاب زن مربوط به

مرد نیست تا او بگوید راضیم، حجاب زن مربوط به خانواده نیست تا اعضای آن رضایت دهند. حجاب زن حق الهی است. حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد نه شوهر و نه برادر و نه فرزندانش.

مسئله بدحجابی امری نیست که اثبات آن نیازمند ارائه آمار و ارقام باشد. بلکه فقط با نگاهی جامع و اندیشمندانه وجود آن و ضرورت مقابله با آن آشکار و مبرهن می‌گردد، خصوصاً از جهت آثار و توابعی که بدحجابی می‌تواند در قالب ارتباطات نامشروع و نامعقول دختران و پسران و سایر مفاسد و انحرافات اجتماعی دربرداشته باشد. این امر در مورد دانشجویان دانشگاه مهم‌تر جلوه می‌کند زیرا دانشجویان، آگاه‌ترین قشر جوان کشورند که به عنوان الگو و اسوه جامعه امروزی بوده و آینده‌سازان جامعه و خانواده‌ها و مهره‌های اصلی حرکت اجتماع به سوی پیشرفت و سعادت محسوب می‌گردند، و چه بسا بدحجابی دختران دانشگاه و نتایج مخرب و پیامدهای سوء آن بتواند دانشگاه را از رسالت اصلی خود که علم، تحقیق، تعالی و کمال است دور سازد. لذا می‌توان گفت رعایت حجاب، عامل سوق‌دهنده دانشگاه به سوی اهداف اصیل آن است و هرگز با فعالیت‌های علمی و دانشگاه مکافات ندارد.

«حجاب آن‌چنان‌که در آیات قرآن و در سوره‌های مختلف آمده، سدی برای فعالیت اجتماعی زنان و یا پیشرفت علمی، یادگیری و آموختن دانش برای آنها نبوده است. در نخستین دوران گسترش اسلام و زندگی پیامبر، زنان با مردان در میدان‌های جنگ دوشادوش هم شراکت داشتند، با هم به نمازهای دسته‌جمعی و مسجد می‌رفتند. در میان آنان زنان شاعر، دانشمند، پزشک و بازرگان دیده شده است» (صادقی، اینترنت).

آنچه در فقه اسلام بیان شده گزاف و بی‌حساب نیست بلکه تابع مصالح و مفاسدی است که در آن حکم وجود دارد. حرمت شراب، دروغ‌گویی، خیانت و غیره به جهت مفاسد آنهاست و وجوب نماز، روزه، حج و غیره به دلیل مصالح موجود در آنهاست. همچنین واجب بودن حجاب و پوشاندن بدن بیهوده نبود بلکه به اقتضای مصلحت فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و غیره بوده که مورد توجه خدای متعال قرار گرفته و بدان امر شده است.

استاد شهید مطهری چهار اصل را به عنوان شاخصه‌های فلسفه حجاب مطرح می‌سازد:

آرامش روانی

استحکام پیوند خانوادگی

استواری اجتماع

ارزش و احترام زن

وی اضافه می‌نماید که حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و چه لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذایذ جنسی به هم می‌آمیزد.

در واقع، برای آرامش غریزه جنسی دو چیز لازم است: ۱. ارضای غریزه جنسی در حد نیاز طبیعی (با ازدواج) ۲. جلوگیری از تهییج و تحریک آن (با پوشش) (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۱۲۰، ۹۴، ۸۳، ۷۹).

پراگماتیسم، شناخت تجربی را محور واقعیت قرار داد و فرویدیسم غریزه جنسی را، دنیای غرب که از کلیسا سرخورده شده بود و مسائل خشک و بی‌پایه آن را نمی‌توانست تحمل کند به استقبال این دو شناخت رفته و مسائل کلیسایی را در یک چهاردیواری محبوس کرد و حیاتی براساس شهوت و احساس بنیان نهاد. در دیدگاه شهوی غرب، «حجاب» به اسارت کشیدن زن و علت سرخوردگی‌های شهوی است و عقده حقارت به دنبال می‌آورد. بنابراین معتقدند برای اینکه جلوی عقده حقارت را بگیریم باید زن و مرد را در خواسته‌های جنسی و هواهای نفسانی کاملاً آزاد گذاشت: «فروید و اتباع او مدعی هستند که اخلاق کهن باید واژگون و اخلاق جدیدی را جایگزین آن نمود. به عقیده وی اخلاق کهن براساس محدودیت و ممنوعیت است و آنچه ناراحتی بر سر بشر آمده از ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و ترس‌ها، وحشت‌های ناشی از ممنوعیت‌ها بوده است» (همان، ص ۱۶۹).

معنای از بین بردن ممنوعیت از دید آنان این است که حیا و عفت را از میان بردارند

و به زنان آزادی بدهند که با آرایش و قیافه مهیج به اجتماع وارد شوند و به مردان اجازه دهند آن طور که می‌خواهند با زنان معاشرت داشته باشند.

دولت‌های غربی نه تنها به نام آزادی شهوی، افکار ملت‌های خویش را به بند کشیدند و عزت و عظمت انسانی و معنوی را از آنان گرفتند بلکه برای به زیر سلطه کشیدن ملت‌های شرق نیز از همین روش استفاده کردند، مانند شکست مسلمانان در اندلس. به طوری که در داستان موسی بن عمران (ع) آمده است که او با تلاش‌های پیگیر بر دشمنان پیروز می‌شد تا اینکه دشمنان برای سرکوبی سپاه وی از راه اشاعه فحشا و گرفتن پوشش از بدن زنان وارد عمل گردیدند و با فروش اجناس توسط آنان زمینه فساد اخلاقی و بیماری‌های مختلف را در آنها فراهم کردند و باعث شکست سپاه وی شدند.

از یک دیدگاه می‌توان عوامل بدحجابی را اینگونه قلمداد نمود: هجوم فرهنگ غرب و تلاش استعمار برای نابودی حجاب؛ اعتقاد به آزادی غلط و ناآگاهی از آزادی صحیح و معقول؛ اعتقاد به دست و پاگیر بودن حجاب برای کار و تلاش؛ پیروی از هوس‌های نفسانی و خوشگذرانی بی‌قید و بند؛ دگرگونی ارزش‌ها (اینکه شخصیت زن به آشکار نمودن زیبایی‌هایش می‌باشد)؛ الگوهای دروغین؛ تقلید کورکورانه که به دلیل جهل و عدم اعتماد به نفس و کمبود نشأت گرفته است؛ و جایگزینی فرهنگ‌های بیگانه به جای اسلام، بی‌محتوایی و عدم استقلال فکری و ضعف تجزیه و تحلیل منطقی، و سستی و سهل‌انگاری به دلیل ضعف اراده (محمدی اشتهاردی، ص ۱۳۳).

قدر مسلم این است که حجاب قبل از اسلام در میان بعضی از ملل وجود داشته است و در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند از آنچه در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است اما در جاهلیت عرب، حجاب وجود نداشته و به وسیله اسلام پیدا شده است. نظریات گوناگون و ناصوابی که در باب علت پیدا شدن حجاب ابراز شده، از این قرار است:

۱. میل به ریاضت و رهبانیت (ریشه فلسفی)؛

۲. عدم امنیت و عدالت اجتماعی (ریشه اجتماعی)؛

۳. پدرشاهی و تسلط مرد بر زن و استثمار نیروی وی در جهت منافع اقتصادی مرد (ریشه اقتصادی)؛

۴. حسادت و خودخواهی مرد (ریشه اخلاقی)؛

۵. خوی زنانگی و احساس او به اینکه در خلقت از مرد چیزی کم دارد، به علاوه مقررات خشنی که در زمینه پلیدی و ترک معاشرت با او در ایام عادت وضع شده است (ریشه روانی).

علل نامبرده به هیچ وجه تأثیری در پیدا شدن حجاب در هیچ نقطه‌ای از نقاط جهان نداشته است. ریشه پدیده حجاب را باید در تدبیر ماهرانه غریزی خود زن جستجو نمود. شاید بتوان گفت دقیق‌ترین علت آن است که حیا، عفاف، ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است (حسینی دشتی، ۱۳۷۶).

در قرآن کریم برای وجوب حجاب و حدود آن چهار آیه که صراحت بر آن دارند، ذکر شده است: آیه ۳۰ سوره نور و آیه‌های ۵۹، ۳۳، ۲۳ سوره احزاب. شاید بتوان گفت مهمترین آیه‌ای که بر مسئله حجاب تأکید دارد، آیه ۵۹ سوره احزاب می‌باشد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».

«جلابیب» که در آیه فوق به کار برده شده جمع واژه «جلباب» می‌باشد. گرچه مفسران و ارباب لغت معانی متفاوتی را برای «جلباب» ذکر کرده‌اند ولی قدرمشترک همه آنها این است که جلباب، پوششی است که بدن را به وسیله آن پوشانند (شریعتمداری، ۱۳۷۲) و هدف از آیه شریفه ۵۹ سوره احزاب آن است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند؛ مانند بعضی از زنان بی‌بندوبار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی‌پروا و لاابالی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می‌کند (بابایی، ۱۳۷۷). با توجه به این موارد می‌توان گفت معنی آیه این است: «ای پیغمبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو لباس‌های چادرمانند خود را به خود نزدیک کنند و خود را

با آن جمع وجور کنند و جلباب را طوری از خود دور نگاه ندارند و بدن خود را از آن بیرون نکنند که پوشیدن آن مانند نپوشیدن باشد (قرشی، ۱۳۶۴). به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت طوری بپوشند که زیرگلو و سینه‌هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد و چنین امری به اینکه اهل عفت، حجاب، صلاح و سدادند نزدیکتر است، در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند، یعنی اهل فسق و جور متعرض آنان نمی‌گردند (طباطبایی، ۱۳۶۶).

در بررسی تحقیقات مشابه، اسلامی ساراب (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل نگرش دانش آموزان دختر مقطع متوسطه نسبت به حجاب در شهرستان شهر بابک» که نمونه آماری وی ۱۰۰ نفر از جامعه آماری ۲۰۰۰ نفری دانش‌آموزان بین ۱۵ تا ۱۷ سال بودند، به این نتیجه رسید که خانواده‌ها در حفظ ارزش حجاب نقش مؤثری دارند. همچنین پای‌بندی خانواده‌ها به فرایض مذهبی و به‌کارگیری شیوه‌های مناسب رفتاری توسط مسئولین مدرسه و دوست دانش‌آموزان در نگرش آنان نسبت به حجاب مؤثر می‌باشند.

هدف کلی این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر بدحجابی دانشجویان دختر دانشگاه می‌باشد. اهداف جزئی پژوهش حاضر نیز با توجه به موارد مذکور، شناسایی تأثیر وضعیت دینی، روانی، روانی، خصوصیات شخصی، نگرش‌های سیاسی، وضعیت جسمانی، خانوادگی، اقتصادی و خصوصیات دوستان در بدحجابی دانشجویان دختر دانشگاه شهید باهنر کرمان می‌باشد.

به منظور وصول به اهداف مذکور، فرضیات زیر طراحی گردیده‌اند:

۱. وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است؛
۲. وضعیت روانی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است؛
۳. خصوصیات شخصی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است؛
۴. نگرش‌های سیاسی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است؛
۵. وضعیت جسمانی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است؛
۶. وضعیت خانوادگی و اقتصادی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است؛
۷. خصوصیات دوستان در بدحجابی دانشجویان مؤثر است.

تعاریف متغیرهایی که در فرضیات فوق به کار رفته است به صورت زیر می‌باشد:
بدحجابی: در این تحقیق، منظور از بدحجابی حالتی است که دختران دانشجوی قسمتی از موی سر خود را از روسری خویش بیرون گذاشته و آشکار می‌سازند.

وضعیت دینی: منظور از این وضعیت نوع دین و میزان انجام وظایفی از جمله نماز، روزه، قرائت قرآن، کمک به مستمندان، حضور در نماز جمعه و جماعت و همچنین میزان اعتقاد به توحید و معاد و نحوه استفاده از نوع نوارها و فیلم‌های موجود و دیدگاه افراد نسبت به حفظ حجاب، میزان آرایش کردن در خارج از منزل و داشتن دوست پسر می‌باشد.

وضعیت روانی: منظور از وضعیت روانی میزان عزت نفس افراد است که به وسیله پرسشنامه استاندارد عزت نفس آیزنگ به دست می‌آید.

خصوصیات شخصی: خصوصیات شخصی در این تحقیق شامل رشته تحصیلی، تعداد واحد گذرانده، سن، معدل، دیپلم، معدل کارشناسی تاکنون، بومی بودن، وضعیت تأهل، علاقمندی به رشته، میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او می‌باشد.

نگرش‌های سیاسی: متغیر نگرش‌های سیاسی، ارزیابی دانشجویان از فضای سیاسی کنونی کشور می‌باشد.

وضعیت جسمانی: میزان بیماری جسمی و سوابق آن و نوع استفاده از داروهای خاص می‌باشد. وضعیت خانوادگی و اقتصادی: منظور از این وضعیت تعداد کل افراد خانواده، در قید حیات بودن والدین، میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی والدین، شغل والدین و وضعیت اقتصادی و اعتقادی والدین می‌باشد.
خصوصیات دوستان: این متغیر همانندی دوست‌دانشجورا از نظر اعتقادی می‌رساند.

روش

در این پژوهش از روش تحقیق علی - مقایسه‌ای استفاده شده است؛ زیرا در تحقیق حاضر، عوامل مؤثر بر بدحجابی دانشجویان کشف شده و بین دو گروه با حجاب و بدحجاب، متغیرهای مربوطه بررسی و مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق عبارت است از کلیه دانشجویان دختر

دانشگاه شهید باهنر کرمان که در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ مشغول به تحصیل بودند که تعداد آنها ۷۰۰۰ نفر می‌باشد.

از جامعه آماری فوق ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر باحجاب و ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر بدحجاب انتخاب و به تکمیل پرسشنامه‌ها پرداختند.

جهت انتخاب افرادی که به پرسشنامه تحقیق پاسخ گویند از روش نمونه‌گیری داوطلبانه استفاده شده است. بدین صورت که از بین دانشجویانی که حجاب خود را در سطح دانشگاه رعایت می‌کنند، تعداد ۲۰۰ نفر انتخاب گردید و پرسشنامه‌های مربوطه در اختیار آنان قرار داده شد. همین عمل در مورد دانشجویانی صورت گرفت که حجاب خود را رعایت نمی‌کردند. علت استفاده از چنین روش نمونه‌گیری آن بود که انتخاب افراد در دو گروه باحجاب و بدحجاب را میسرتر می‌ساخت و از طرف دیگر احتمال همکاری آنان را در تکمیل پرسشنامه افزایش می‌داد و اگر تعدادی از دانشجویان از تکمیل پرسشنامه طفره می‌رفتند با دانشجویان دیگری صحبت می‌شد و از آنان جهت پرمودن پرسشنامه دعوت به عمل می‌آمد.

در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شده که شامل ۶۴ سؤال بوده که متغیر وضعیت دینی دانشجویان از طریق گزینه‌های سؤالات ۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ مورد سنجش قرار گرفته است.

وضعیت روانی دانشجویان از طریق سؤال‌های پرسشنامه عزت نفس که شامل ۳۰ سؤال می‌باشد مورد محاسبه قرار گرفته است. متغیر خصوصیات شخصی دانشجویان از طریق سؤالات ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۳۲ و ۳۳ مورد پرسش و سنجش قرار گرفته است.

متغیر نگرش‌های سیاسی دانشجویان از طریق سؤال ۳۲ مورد پرسش قرار گرفته است.

وضعیت جسمانی دانشجویان از طریق سؤالات ۱۹، ۲۰ و ۲۱ به دست آمده که سؤالاتی پیرامون بیماری جسمی و سوابق آن و داروهای مصرفی می‌باشد.

وضعیت خانوادگی و اقتصادی دانشجویان شامل تعداد کل افراد خانواده، در قید

حیات بودن والدین، مدرک تحصیلی والدین، شغل والدین و وضعیت اقتصادی خانواده و وضعیت اعتقادی والدین است که از طریق سؤالات ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ مورد پرسش قرار گرفته و در نهایت خصوصیات دوستان دانشجویان براساس سؤال ۳۴ مورد پرسش قرار گرفته که وضعیت همانندی دوست دانشجویان را از نظر اعتقادی می‌سنجد.

روائی پرسشنامه اول تحقیق از طریق جمع‌آوری نظرات پنج کارشناس از اساتید دانشگاه شهید باهنر کرمان معادل ۰/۸۶۳ و به همین ترتیب روائی پرسشنامه دوم تحقیق (پرسشنامه عزت نفس) معادل ۰/۹۷۵ به دست آمد. همچنین پایائی پرسشنامه اول تحقیق از طریق بازآزمایی (آزمون مجدد) معادل ۰/۸۷ و پایائی پرسشنامه دوم تحقیق (پرسشنامه عزت نفس) معادل ۰/۸۵۱ تعیین شد. (لازم به تذکر است که جداول مربوط به تعیین روائی و پایائی پرسشنامه‌های مذکور ضمیمه مقاله می‌باشد).

روش‌های آماری برای تحقیق حاضر به دو صورت آمار توصیفی شامل جدول فراوانی، میانگین، میانه، نما، نمودار ستونی و آمار استنباطی شامل آزمون‌های من ویتنی، کای دو و آزمون t می‌باشد که تماماً با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج

فرضیه اول:

وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است.

متغیر وضعیت دینی دانشجویان از طریق جمع امتیاز گزینه‌های سؤال‌های ۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ به دست آمده است.

آزمون من - ویتنی

توزیع وضعیت دینی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب یکسان است. H0:

توزیع وضعیت دینی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب متفاوت است. H1:

مقایسه توزیع وضعیت دینی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب براساس

محاسبات حاصله از طریق آزمون من- ویتنی نشان می‌دهد که P- مقدار محاسبه شده (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معنی‌داری ۵٪ ($\alpha = 0/05$) است، لذا در این سطح خطا فرض H_0 رد می‌شود و این بدان معنی است که توزیع وضعیت دینی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب متفاوت می‌باشد؛ به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ها، وضعیت دینی دانشجویان باحجاب بهتر از دانشجویان بدحجاب است. در نتیجه وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است (جدول ۱).

جدول ۱: مقایسه توزیع وضعیت دینی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب

وضعیت دینی	دانشجویان	فراوانی	میانگین رتبه‌ها
	با حجاب	۲۰۰	۲۳۹/۴۶
	بد حجاب	۲۰۰	۱۶۱/۵۴
آماره U من- ویتنی	آماره Z		P- مقدار
۱۲۲۰۷	-۷/۹۴۴		۰/۰۰۰

فرضیه دوم:

وضعیت روانی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است.

متغیر وضعیت روانی دانشجویان از طریق محاسبه سؤال‌های پرسشنامه عزت نفس به دست آمده است.

آزمون من- ویتنی

توزیع وضعیت روانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب یکسان است. H_0

توزیع وضعیت روانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب متفاوت است. H_1

مقایسه توزیع وضعیت روانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب براساس محاسبات حاصله از طریق آزمون من- ویتنی نشان می‌دهد که P- مقدار محاسبه شده (۰/۳۸۴) بیشتر از سطح معنی‌داری ۵٪ ($\alpha = 0/05$) است، لذا در این سطح خطا فرض H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که توزیع وضعیت روانی دانشجویان باحجاب

و دانشجویان بدحجاب یکسان می‌باشد. در نتیجه وضعیت روانی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست (جدول ۲).

جدول ۲: مقایسه توزیع وضعیت روانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب

میانگین رتبه‌ها	فراوانی	دانشجویان	وضعیت روانی
۲۰۴/۹۴	۲۰۰	با حجاب	
۱۹۶/۰۶	۲۰۰	بد حجاب	
-P مقدار	آماره Z	آماره U من- ویتنی	
۰/۳۸۴	-۰/۸۷۰	۱۹۱۱۱/۵	

فرضیه سوم:

خصوصیات شخصی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است. خصوصیات شخصی دانشجویان شامل رشته تحصیلی، تعداد واحد گذرانده، سن، معدل دیپلم، معدل کارشناسی تاکنون، بومی بودن، وضعیت تأهل، علاقه‌مندی به رشته، میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او می‌باشد.

آزمون کای دو

H01 : بین رشته تحصیلی دانشجویان و حجاب آنان رابطه وجود ندارد.

H02 : بین بومی بودن دانشجویان و حجاب آنان رابطه وجود ندارد.

H03 : بین وضعیت تأهل دانشجویان و حجاب آنان رابطه وجود ندارد.

رابطه بین رشته تحصیلی، بومی بودن و وضعیت تأهل دانشجویان باحجاب آنان براساس محاسبات از طریق آزمون کای دو (Chi-Square Test) به دست آمده است. با توجه به اینکه p -مقدار محاسبه شده در رابطه بین رشته تحصیلی، بومی بودن و وضعیت تأهل دانشجویان باحجاب آنان بیشتر از سطح معنی‌داری ۵٪ ($\alpha = 0/05$) است، لذا در این سطح خطا هیچ‌یک از فرض‌های H01-H03 رد نمی‌شود و این بدین

معنی است که بین رشته تحصیلی، بومی بودن و وضعیت تأهل دانشجویان با حجاب آنان رابطه معنی داری وجود ندارد و در نتیجه رشته تحصیلی، بومی بودن و وضعیت تأهل دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست (جدول ۳).

جدول ۳: آزمون کای دو برای بررسی رابطه بین رشته تحصیلی، بومی بودن و وضعیت تأهل دانشجویان با حجاب آنان

مقدار -P	ضریب توافقی C	درجه آزادی	آماره X2	خصوصیات شخصی
۰/۵۸۳	۰/۱۰۹	۶	۴/۶۹۸	رشته تحصیلی
۰/۲۵۳	۰/۰۵۹	۱	۱/۳۲۴	بومی بودن
۰/۶۶۶	۰/۰۲۳	۱	۰/۲۰۸	وضعیت تأهل

آزمون t (دو نمونه مستقل)

میانگین تعداد واحد گذرانده دانشجویان بر حسب وضعیت حجاب آنان یکسان است: H01

میانگین سن دانشجویان بر حسب وضعیت حجاب آنان یکسان است: H02

میانگین معدل دیپلم دانشجویان بر حسب وضعیت حجاب آنان یکسان است: H03

میانگین معدل کارشناسی تاکنون دانشجویان بر حسب وضعیت حجاب آنان یکسان

است: H04

مقایسه میانگین تعداد واحد گذرانده، سن، میانگین معدل دیپلم و میانگین معدل کارشناسی بر حسب وضعیت حجاب دانشجویان بر اساس محاسبات از طریق آزمون t (دو نمونه مستقل) به دست آمده است. با توجه به اینکه p -مقدار محاسبه شده در تمام متغیرها بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ ($\alpha = 0/05$) است؛ لذا در این سطح خطا هیچ یک از فرض‌های H01-H04 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که میانگین تعداد واحد گذرانده، سن، میانگین معدل دیپلم و میانگین معدل کارشناسی بر حسب وضعیت حجاب یکسان است و در نتیجه تعداد واحد گذرانده، سن، میانگین معدل دیپلم و میانگین معدل کارشناسی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست (جدول ۴).

جدول ۴: آزمون t برای مقایسه میانگین تعداد واحد گذرانده، سن، میانگین معدل دیپلم و میانگین معدل کارشناسی برحسب وضعیت حجاب دانشجویان

متغیر	اختلاف میانگین ها	خطای استاندارد	آماره t	درجه آزادی	p- مقدار
تعداد واحد گذرانده	۴/۱۹۷	۲/۲۵۵	۰/۵۳۷	۳۷۲	۰/۵۹۱
سن	۰/۱۸۴	-۰/۰۷۱	-۰/۳۸۴	۳۹۴	۰/۷۰۱
میانگین معدل دیپلم	۰/۱۶۵	۰/۰۹۷	۰/۵۸۹	۳۵۳	۰/۵۵۷
میانگین معدل کارشناسی	۰/۱۹۶	۰/۳۳۳	۱/۶۹۵	۲۶۶	۰/۰۹۱

آزمون من- ویتنی

توزیع میزان علاقه‌مندی به رشته در دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است. H01:
 میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است. H02:
 توزیع میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او در دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است. H03:

مقایسه توزیع علاقه‌مندی به رشته، میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او در دانشجویان باحجاب و بدحجاب براساس محاسبات از طریق آزمون من- ویتنی به دست آمده است. با توجه به اینکه P- مقدار محاسبه شده در متغیرها کمتر از سطح معنی‌داری ۵٪ ($\alpha = 0/05$) است، پس در این سطح خطا فرض‌های H01-H03 رد می‌شوند و این بدان معنی است که توزیع علاقه‌مندی به رشته، میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او در دانشجویان باحجاب و بدحجاب متفاوت می‌باشد به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ها، علاقه‌مندی به رشته در دانشجویان باحجاب بیشتر از دانشجویان بدحجاب است و میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او در دانشجویان بدحجاب بیشتر از دانشجویان باحجاب می‌باشد؛ در نتیجه عدم علاقه‌مندی به رشته،

میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او در بدحجابی دانشجویان مؤثر است (جدول ۵).

جدول ۵: مقایسه توزیع علاقه‌مندی به رشته، میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او در دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب

متغیر	میانگین رتبه دانشجویان		آماره	
	باحجاب	بدحجاب	U من-ویتی	Z
میزان علاقه‌مندی به رشته	۲۱۲/۷۴	۱۸۶/۲۶	۱۷۱۶۵/۵	-۲/۵۷۲
میزان اهمیت به مدگرایی در جامعه	۱۶۳/۱۲	۲۳۰/۳۷	۱۲۶۹۷/۵	-۶/۱۸۶
میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی او	۱۸۴/۷۸	۲۰۸/۲۲	۱۶۹۱۰/۵	-۲/۰۲۰۷

فرضیه چهارم:

نگرش‌های سیاسی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است.

متغیر نگرش‌های سیاسی، ارزیابی دانشجویان از فضای سیاسی کنونی کشور می‌باشد.

آزمون من-ویتی

توزیع ارزیابی دانشجویان باحجاب و بدحجاب از فضای سیاسی کنونی کشور یکسان

است. H_0 :

توزیع ارزیابی دانشجویان باحجاب و بدحجاب از فضای سیاسی کنونی کشور متفاوت

است. H_1 :

مقایسه توزیع ارزیابی دانشجویان باحجاب و بدحجاب از فضای سیاسی کنونی کشور براساس محاسبات حاصله از طریق آزمون من-ویتی نشان می‌دهد که P -مقدار محاسبه شده (۰/۴۸۶) بیشتر از سطح معنی‌داری توزیع ارزیابی دانشجویان باحجاب و

بدحجاب از فضای سیاسی کنونی کشور یکسان می‌باشد. در نتیجه نگرش‌های سیاسی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه توزیع نگرش‌های سیاسی دانشجویان باحجاب و بدحجاب

میانگین رتبه‌ها	فراوانی	دانشجویان	نگرش‌های سیاسی
۱۸۰/۶۷	۱۸۸	باحجاب	
۱۸۷/۴۹	۱۷۹	بدحجاب	
-P مقدار	آماره Z	آماره U من- ویتنی	
۰/۴۸۶	-۰/۶۹۷	۱۶۲۰/۵	

فرضیه پنجم:

وضعیت جسمانی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است.

متغیر وضعیت جسمانی دانشجویان از طریق محاسبه میانه سؤال‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ به دست آمده است.

آزمون من- ویتنی

توزیع وضعیت جسمانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب یکسان است. H_0
 توزیع وضعیت جسمانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب متفاوت است. H_1
 مقایسه توزیع وضعیت جسمانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب براساس محاسبات حاصله از طریق آزمون من- ویتنی نشان می‌دهد که -P مقدار محاسبه شده (۰/۵۴۱) بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ ($\alpha = 0/05$) است؛ لذا در این سطح خطا فرض H_0 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که توزیع وضعیت جسمانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب یکسان می‌باشد. در نتیجه وضعیت جسمانی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست (جدول ۷).

جدول ۷: مقایسه توزیع وضعیت جسمانی دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب

وضعیت جسمانی	دانشجویان	فراوانی	میانگین رتبه‌ها
وضعیت جسمانی	باحجاب	۱۶۸	۱۶۲/۶۳
	بدحجاب	۱۶۱	۱۶۷/۴۸
آماره U من - ویتنی	آماره Z		-P مقدار
۱۳۱۲۵	-۰/۶۱۱		۰/۵۴۱

فرضیه ششم

وضعیت خانوادگی و اقتصادی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است. وضعیت خانوادگی و اقتصادی دانشجویان شامل تعداد کل افراد خانواده، درقید حیات بودن پدر و مادر، میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر، شغل پدر، وضعیت اقتصادی خانواده، مدرک تحصیلی مادر، شغل مادر و وضعیت اعتقادی والدین می‌باشد.

آزمون من - ویتنی

H01: توزیع تعداد کل افراد خانواده دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است.
H02: توزیع میزان اختلاف بین والدین دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است.
H03: توزیع مدرک تحصیلی پدر دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است.
H04: توزیع وضعیت اقتصادی خانواده دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است.
H05: توزیع مدرک تحصیلی مادر دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است.
H06: توزیع وضعیت اعتقادی پدر دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است.
H07: توزیع وضعیت اعتقادی مادر دانشجویان باحجاب و بدحجاب یکسان است.

مقایسه توزیع تعداد کل افراد خانواده، میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر، وضعیت اقتصادی خانواده، مدرک تحصیلی مادر و وضعیت اعتقادی والدین دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب براساس محاسبات از طریق آزمون من - ویتنی به دست آمده است.

با توجه به اینکه -P مقدار محاسبه شده فقط در متغیرهای تعداد کل افراد خانواده و

وضعیت اقتصادی خانواده بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ ($\alpha = 0/05$) است. پس در این سطح خطا فقط فرض‌های H01 و H04 رد نمی‌شوند و این بدان معنی است که توزیع میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر، مدرک تحصیلی مادر و وضعیت اعتقادی والدین در دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب متفاوت می‌باشد؛ به طوری که با توجه به میانگین رتبه‌ها، میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر و مدرک تحصیلی مادر در دانشجویان بدحجاب بیشتر از دانشجویان باحجاب است و وضعیت اعتقادی والدین دانشجویان باحجاب بهتر از دانشجویان بدحجاب می‌باشد. در نتیجه میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر، مدرک تحصیلی مادر و وضعیت اعتقادی والدین در بدحجابی دانشجویان مؤثر است (جدول ۸).

جدول ۸: مقایسه توزیع تعداد کل افراد خانواده، میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی پدر، وضعیت اقتصادی خانواده، مدرک تحصیلی مادر و وضعیت اعتقادی والدین در دانشجویان باحجاب و دانشجویان بدحجاب

متغیر	میانگین رتبه دانشجویان		آماره		
	باحجاب	بدحجاب	U من - ویتنی	Z	P- مقدار
تعداد کل افراد خانواده	۱۹۷/۹۹	۱۸۱/۰۱	۱۶۲۵۵/۵	-۱/۶۳۳	۰/۱۰۳
میزان اختلاف بین والدین	۱۸۱/۶۲	۲۰۷/۷۸	۱۶۲۷۶/۵	-۲/۴۴۱	۰/۰۱۵
مدرک تحصیلی پدر	۱۶۴/۹۰	۱۹۷/۷۴	۱۳۴۰۴/۵	-۳/۱۶۸	۰/۰۰۲
وضعیت اقتصادی خانواده	۱۹۴/۱۷	۱۹۹/۸۷	۱۸۷۴۴/۵	-۰/۵۵۶	۰/۵۷۸
مدرک تحصیلی مادر	۱۶۲/۴۶	۱۹۵/۰۸	۱۳۰۱۷	-۳/۳۵۲	۰/۰۰۱
وضعیت اعتقادی پدر	۲۰۸/۴۲	۱۷۹/۶۵	۱۵۹۳۷	-۳/۴۸۹	۰/۰۰۰
وضعیت اعتقادی مادر	۲۰۳/۶۰	۱۸۸/۳۶	۱۷۶۲۰/۵	-۲/۲۸۴	۰/۰۲۲

آزمون کای دو

H01 : بین در قید حیات بودن پدر دانشجویان و حجاب آنان رابطه وجود ندارد.

H02 : بین در قید حیات بودن مادر دانشجویان و حجاب آنان رابطه وجود ندارد.

H03 : بین شغل پدر دانشجویان و حجاب آنان رابطه وجود ندارد.

H04 : بین شغل مادر دانشجویان و حجاب آنان رابطه وجود ندارد.

رابطه بین در قید حیات بودن پدر و مادر و شغل پدر و مادر دانشجویان با حجاب آنان براساس محاسبات از طریق آزمون کای دو به دست آمده است. با توجه به اینکه - مقدار محاسبه شده در رابطه بین در قید حیات بودن پدر و مادر و شغل پدر و مادر دانشجویان با حجاب آنان بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ ($\alpha = 0/05$) است؛ لذا در این سطح خطا هیچیک از فرض‌های H01-H04 رد نمی‌شود و این بدان معنی است که بین در قید حیات بودن پدر و مادر و شغل پدر و مادر دانشجویان با حجاب آنان رابطه معنی داری وجود ندارد؛ در نتیجه در قید حیات بودن پدر و مادر و شغل پدر و مادر دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست (جدول ۹).

جدول ۹: آزمون کای دو برای بررسی رابطه بین در قید حیات بودن پدر و مادر و شغل پدر و مادر دانشجویان با حجاب آنان

متغیر	آماره X2	درجه آزادی	ضریب توافقی C	P- مقدار
در قید حیات بودن پدر	۰/۸۰۱	۱	۰/۰۴۵	۰/۳۷۱
در قید حیات بودن مادر	۲/۵۳۵	۱	۰/۰۸۴	۰/۱۱۱
شغل پدر	۱/۵۵۴	۵	۰/۰۶۵	۰/۵۰۷
شغل مادر	۵/۲۱۰	۴	۰/۱۱۷	۰/۲۶۶

فرضیه هفتم

خصوصیات دوستان در بدحجابی دانشجویان مؤثر است.

متغیر خصوصیات دوستان، همانندی دوست دانشجویان از نظر اعتقادی می‌باشد.

آزمون کای دو

H0 : بین خصوصیات دوستان و حجاب دانشجویان رابطه وجود ندارد.

بین خصوصیات دوستان و حجاب دانشجویان رابطه وجود دارد. H_1 :
 رابطه بین خصوصیات دوستان و حجاب دانشجویان براساس محاسبات از طریق
 آزمون کای دو به دست آمده است. با توجه به اینکه p - مقدار محاسبه شده بیشتر از
 سطح معنی داری 0.05 ($\alpha=0.05$) است؛ لذا در این سطح خطا فرض H_0 رد نمی شود و
 این بدان معنی است که بین خصوصیات دوستان و حجاب دانشجویان رابطه معنی داری
 وجود ندارد. در نتیجه خصوصیات دوستان در بدحجابی آنان مؤثر نیست (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: آزمون کای دو برای بررسی رابطه بین خصوصیات دوستان و حجاب دانشجویان

آماره X^2	درجه آزادی	ضریب توافقی C	P- مقدار
۰/۵۱۳	۱	۰/۰۳۷	۰/۴۷۴

لذا در نتیجه گیری می توان گفت:

وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است.
 وضعیت روانی (عزت نفس) دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر نیست.
 متغیرهای رشته تحصیلی، بومی بودن دانشجویان و وضعیت تأهل دانشجویان
 تأثیری در بدحجابی دانشجویان ندارند.
 متغیرهای تعداد واحد گذرانده شده، سن، معدل دیپلم، معدل کارشناسی
 تاکنون در بدحجابی دانشجویان تأثیری ندارند.
 متغیرهای میزان علاقه مندی به رشته، میزان اهمیت به مدگرایی و میزان در تضاد
 دیدن پوشش زن با تلاش های اجتماعی در بدحجابی تأثیر دارند.
 وضعیت وضعیت جسمانی دانشجویان بر بدحجابی آنان مؤثر نیست.
 متغیرهای تعداد کل افراد خانواده و وضعیت اقتصادی خانواده در بدحجابی
 دانشجویان تأثیری ندارند.
 متغیرهای میزان اختلاف بین والدین، مدرک تحصیلی والدین و وضعیت اعتقادی
 والدین در بدحجابی مؤثر می باشند.

متغیرهای در قید حیات بودن والدین و شغل والدین در بدحجابی دانشجویان تأثیری ندارند.

خصوصیات دوستان در بدحجابی آنان مؤثر نمی‌باشد.

بحث

تجزیه و تحلیل نتایج حاصله از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که فرضیه‌های مطروحه در ابتدای تحقیق با توجه به دلایل متفاوتی تأیید یا رد شده‌اند که بعضی از این دلایل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

وضعیت دینی که در پرسشنامه فوق شامل سه دسته مسائل اعتقادی، مسائل اجرایی دینی از جمله فرائض و مسائل اجتماعی مرتبط با آن است که اکثر قریب به اتفاق آزمودنی‌ها خود را معتقد به اصول دینی دانسته‌اند ولی اختلاف در مسائل اجرایی دینی است که همین موضوع و پای‌بندی به فرائض و مسائل عملی در مسائل اجتماعی نیز که یکی از آنها رعایت مسئله حجاب نیز می‌باشد اثر گذاشته؛ همچنان‌که در تحقیق مشابه انجام گرفته (اسلامی ساراب، ۱۳۷۸). در مورد دانش‌آموزان، پای‌بندی خانواده‌ها به فرائض مذهبی نیز در نگرش آنان به حجاب مؤثر شناخته شده است.

بنابراین عدم رعایت مسائل اجرایی و عملی مذهبی می‌تواند در بدحجابی مؤثر باشد. وضعیت روانی که شامل سؤالات استاندارد عزت نفس در پرسشنامه فوق است، در بدحجابی مؤثر نمی‌باشد. برخلاف تصویری که می‌شد متأسفانه با وجود داشتن وضعیت روانی نسبتاً مناسب (داشتن عزت نفس نسبتاً مناسب) مسئله بدحجابی در عده‌ای از دانشجویان مشاهده می‌شود.

خصوصیات شخصی دانشجویان بر بدحجابی آنان تأثیر ندارد، به‌جز متغیرهای میزان علاقه‌مندی به رشته، میزان اهمیت به مدگرایی و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی که در بدحجابی تأثیر دارد.

مسئله افرادی که دیدگاه مثبتی نسبت به مدگرایی دارند، همگام بودن آنان با مد آنان را وادار می‌نماید تا با نمایش گذاشتن خود در جامعه به این مسئله (حجاب)

اهمیت ندهند و حجاب را مانعی برای این امر بدانند. همچنین کسانی که پوشش زن را با تلاش‌های اجتماعی در تضاد می‌بینند، نمی‌توانند در مسائل عملی اجتماع این اعتقاد را کتمان کنند، به این جهت سعی بر عدم رعایت حجاب در برخوردهای اجتماعی دارند.

نگرش‌های سیاسی بر بدحجابی دانشجویان مؤثر نیست، با بررسی سؤال مربوط به این فرضیه این نتیجه حاصل می‌شود که افراد باحجاب و بدحجاب تقریباً یک دید فکری مشترک نسبت به فضای سیاسی کشور داشتند.

وضعیت اقتصادی و خانوادگی به جز متغیرهای میزان اختلاف والدین، مدرک تحصیلی والدین و وضعیت اعتقادی والدین، بر بدحجابی دانشجویان تأثیری ندارند.

اختلاف والدین باعث ایجاد تزلزل در اذهان فرزندان می‌شود، به طوری که آینده‌ای تباه را برای خود ترسیم می‌کنند و در نتیجه عدم هدایت والدین برای نوع انتخاب پوشش و چگونگی رفتار و معاشرت‌های اجتماعی آنان تأثیرگذار بوده، به طوری که فرزندان با پناه آوردن به تکیه‌گاهی به جز والدین الگوپذیری می‌نمایند.

پایین بودن مدرک تحصیلی والدین به نظر می‌رسد از دو جهت تأثیرگذار باشد:

الف) حرف شنوی کمتر از والدین به دلیل اینکه فرزندان آگاهی و علم خود را از آنان بیشتر می‌دانند.

ب) عدم توجیه اعتقادی والدین با توجه به سطح آگاهی آنان.

وضعیت اعتقادی والدین نسبت به امر حجاب باید از دوران کودکی و به صورت اعتقاد قلبی شکل بگیرد؛ بنابراین، اعتقاد والدین اثر مستقیمی بر عقیده درونی و ریشه‌ای فرزندان در این امر دارد.

خصوصیات دوستان بر بدحجابی دانشجویان تأثیری ندارد، این امر به دلیل اینکه دوستان افراد از دیدگاه فکری مشترکی برخوردارند؛ در نتیجه در روند حرکت مثبت این افراد بی‌تأثیر می‌باشد.

براساس نتایج تحقیق این موارد پیشنهاد می‌گردد:

۱. با توجه به اینکه وضعیت دینی دانشجویان در بدحجابی آنان مؤثر است، پس هر

قدر وضعیت دینی دانشجویان بهتر شود وضعیت حجاب در آنان بهتر می‌گردد. بنابراین لازم است که مسئولین محترم دانشگاه‌ها توجه بیشتری به امر نماز و برگزاری باشکوه‌تر آن بنمایند و همچنین زمینه‌ای جهت تشویق و ترغیب دانشجویان از طریق ارائه الگوهای مناسب و جذاب (اساتید و دانشجویان) را فراهم آورند. به عنوان مثال، برای وصول به چنین هدفی انجمن‌هایی در این راستا ایجاد گردد:

برنامه مشابه برگزاری جلسات عمومی قرائت قرآن به طوری که انس با قرآن بیشتر ایجاد شود. شرکت دسته‌جمعی اساتید و دانشجویان به صورت برنامه‌آوردی در مراسم نماز جمعه و در ادامه آن، برنامه‌های تفریحی و ورزشی.

بازدید گروهی از مراکزی که افراد مستمند و بی‌سرپرست وجود دارد و آشنایی و برانگیختن حس کمک به افراد بی‌بضاعت و همدردی با آنان.

برگزاری کلاس‌های اعتقادی با حضور اساتید مجرب و مورد درخواست دانشجویان و سپس اجرای مسابقات پیرامون این درس اعتقادی.

برگزاری سمینارها و کنفرانس‌هایی پیرامون قرآن و حجاب و... و فراخوان مقالاتی تحت این عناوین به صورت گسترده و فراگیر.

برگزاری جلسات تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی پیرامون مسئله حجاب از دیدگاه صاحب‌نظرانی که در این زمینه کتب یا مقالاتی را ارائه داده‌اند.

ترتیب دادن نمایشگاه‌هایی از سیر حجاب در کشورهای مختلف و کشور ایران. تشکیل ویدئو کلوب‌های دانشجویی و ارائه فیلم‌ها و نوارهای متنوع و جذاب مجاز و ارائه آن به دانشجویان با قیمت مناسب.

۲. همچنین با توجه به اینکه خصوصیات شخصی که شامل متغیرهای میزان علاقه‌مندی به رشته و میزان اهمیت به مدگرایی و میزان در تضاد دیدن پوشش زن با تلاش‌های اجتماعی می‌باشد، در بدحجابی دانشجویان مؤثر است، لذا موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- انتصاب مدیران متعهد و معتقد به حجاب برتر در پست‌های بالای علمی -

اجرائی؛

- انتخاب و معرفی اساتید و دانشجویان نمونه با اولویت حجاب برتر؛
- تقویت باور فکری دانشجویان بر اینکه حجاب هرگز مانع کار و تلاش اجتماعی نیست؛
- ارائه الگوهای مناسب حجاب از طریق دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی، بسیج دانشجویی و...؛
- فراخوان تحقیقات و مقالاتی پیرامون حجاب در رشته‌های مختلف تحصیلی؛
- تجلیل از افراد باحجاب و موفق در دانشگاه‌ها توسط رسانه‌های گروهی؛
- ۳. در مورد وضعیت اقتصادی و خانوادگی به‌جز میزان اختلاف والدین، مدرک تحصیلی والدین و وضعیت اعتقادی در بدحجابی دانشجویان تأثیر ندارند. بنابراین موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:
- تهیه بروشورهایی از طریق مشاورین خانواده، در زمینه آگاهی دادن به خانواده‌ها و داشتن برنامه‌هایی در صدا و سیما با هماهنگی دانشگاه در جهت ارشاد و افزایش سطح آگاهی‌های خانواده‌ها.
- ترتیب دادن جلساتی در جهت دعوت از والدین و دادن آگاهی‌هایی در زمینه مسائل اعتقادی و تحصیلی به آنان.
- ایجاد شیوه‌های مناسب رفتاری از طرف مسئولین دانشگاه در رابطه با حجاب.

منابع

- بابایی، احمدعلی (۱۳۷۷). *برگزیده تفسیر نمونه*، زیر نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی، جلد ۳، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- باقری، خسرو (۱۳۷۰). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، چاپ دوم. تهران: مدرسه.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). *معارف و معاریف*، جلد ۴، چاپ دوم، تهران: مؤلف.
- خرمشاهی، بهاءالدین (بی تا). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: جامی و نیلوفر.
- شریعتمداری، جعفر (۱۳۷۲). *شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه*، جلد ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۹). *تعلیم و تربیت اسلامی*. چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۶). *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، چاپ دوم، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۷۴). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ دوم، تهران: اسلامی.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۶۴). *قاموس قرآن*، جلد ۲ و ۱، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳). *مسئله حجاب*. تهران و قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی. *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*. تهران و قم: صدرا.